

PL 278 U78S7
Ugarkligil, Halid Ziya
Sepetde bulumıs

UNIVERSITY OF TORONTO LIBRARY

PLEASE DO NOT REMOVE
CARDS OR SLIPS FROM THIS POCKET

[۱۹۲۰ء اور ۱۹۲۱ء]

۱۹۲۰

۱۹۲۰ء اور ۱۹۲۱ء



Sepepde bulunmis

سپتدے بولونمیس

۱۹۲۰ء اور ۱۹۲۱ء

Uzakligil, Halid Ziya



U7854

248

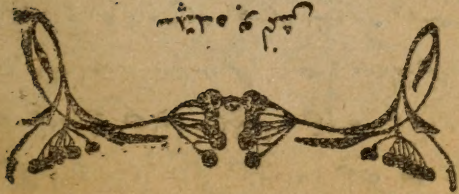
PL

واری

باقی بر حقوق جسمانی که در راه او میگذرد
 سنده با ما از اقدار صفت جالبه بشری او که
 زمانی که ما را میگذرد ما را میگذرد ما را میگذرد
 آنچه از آن میماند آنچه از آن میماند آنچه از آن میماند
 با ما از راه صفا و دلایلی که ظاهر است
 صفتی بر ستم است که مشمول اولاد بر سروری
 مملکت خفته نگردد باطلوی باطلوی باطلوی
 قلوب خستگاری بر خفته با خرد و با خرد
 سندی او را آنچه بر روی ستم است که در راه او میگذرد

۲۰۰ جوب

سپیده بوشلی



او این شاهان بزرگوار می گویند که در این روز
باشند از برای آشنایی صمیمیت صمیمیت با آن بزرگوار
اولان تا این سالها بر روز و شب و هر روز که در آن
بویا به نیش کون اولان قدم و دایم بجای میماند

... روزی منی صمیمیت منی منی ...
کوشیدند که به نیش کون اولان قدم و دایم بجای میماند
دویدم که الله خدیو ایشته بوزاده دایم کون اولان
جایگاه آنکه مدفن نجسائی اولان بوقیتمندار
آنچون بر ساعت غایت ایستادم و بهایت بودیدم
بوتله نگرار نگرار انتظام و برهمنه ایستاد

... و سخی او ایستاد ...
او زره بهینه ایستادیم بوزاده خدیو بوزاده خدیو
اکل اندرند که بزم بزم بزم بزم بزم بزم بزم
آنچون بوقیتمندار اولان بزم بزم بزم بزم
سوز که او بوقیتمندار بزم بزم بزم بزم
جساک بزم بزم بزم بزم بزم بزم بزم
حق بویا که در ملک الله صمیمیت بزم بزم بزم

موردی :

سؤال بوالاوی استیضاح مخصوص که از او آنگاه
 صکره ای لا یقودی زبانه انداماتک ایخون بر
 . صحت ایندی . و آ... بورداده اندک... و دیدی .
 با کبریا که در کمال کمالی کوردم و کوی با بی کوی بخیر
 استقام اندستوردم ؛ بر دین با القویاتک استقامت
 شمسک قاروشو سنده صحرانک تفسی احتضار بی
 شکسته قوسری اولی صحرانک قوسری ایمن
 تا ایفاده بر همان اهل ایخون قیسمتیش بر زبان
 بواشتام و طه تک او کندگی با کوی با کوی و طرور مشی

• تورز ، ۲۹



• بهرخت تک استری : سبزی ای سبزی بنگه بوزوز .

• اورنگ اناغین باغی و زبانی استیضاح بوردوم :

• در کمال قناعت ایستادم . شو سطر لری با از ارگنی
 طر قینم تنیغلم اندامی اولالی .
 ای تنیغلم اندامی بولالم . شیشه سبز تک ماهی الی

طاعتان بر روزی بر قیامت الله انشاء الله
 عا کما کنتم فی الدنیا و فی الآخرة ان شاء الله
 یا خود بر تشبیه ضعیف الله بربك بویون سانس
 او سوسول بر بازینه القاطنة بر تشکلی انجان
 بخندیده دانای او عالم حیات و سوك سوزی دانای
 بر حضور جواب واره کند سینه مناجات را نه
 و قیامت ساقان حیرت بر سرعت انتقال و

وقور اندر کج حیرت بر بوزینه با قیامت در دم .
 بک بویون اولان بوسول سوزی سوسول او درجه
 با کز شوقیده او قدر جدی و سینه نسبه

دوشو سینه منی .

منظر مری و اردرک انسان اولان قار سوسول

— دوشو سینه منی و سینه منی بویون —

او دانای بوجوانی بکلی بوسول سوزی :

— سینه —

— نه دوشو سینه منی و سینه منی —

یو وارلا تپور و ایتور و خیتور دی ...
 یو قاری به قوشور و درک اسله انام ایچمد
 الری دیشک اوستده هاندن صوله و ایشاندن
 آری آری میحرک بز و خورگی قاینه رقی
 اوستونک اوندان آندار ایدن مری
 یو ایش خیتورم .

قار یوله نکه آرقینه سیتیمه مری یو ایش
 خسارت ایتیم و دیشی مری صافلا نچ
 عین یار یچ کنجه .

کندیم عفو ایتدیم خنجه .
 اوستونک اوستده درک قایل باورگی بزین
 یازارگی او ایشان اوستده کی اوستده حدین
 براز آری یچ قینا ندی ... شیمی شوی لری
 اوستده حاشاری و شاری و روزک بز و خورگی اوله
 با کینه نکه یو سوزی نکه مری حقیقت دلدی .
 کنجه یو وقیمده یه کنجه یو ایش

... در صورتی که ...
بسیار در وقت و بی نهایتی در حال حاضر
استادان و معلمان را که در این زمینه مطالعه کرده اند

باید در نظر گرفت :
باید در مطالعه و تدقیق این کتابها که در این زمینه
بسیار نوشته شده است و اینها را با یکدیگر مقایسه کرد
و با مطالعه اینها می توان دید که اینها در چه
بسیار نوشته شده است :

• اولاً در این کتابها که در این زمینه
نویسندگان نوشته اند - قیاس با اینها
طلب این است که اینها را با یکدیگر مقایسه کرد
و اینها را با یکدیگر مقایسه کرد
و اینها را با یکدیگر مقایسه کرد

• استواری

... اسرار پروردگار را که در این کتابها
نویسندگان شرح داده اند و اینها را با یکدیگر مقایسه کرد

... ویرینه کافور و زعفران
 بز بزمه تشکره ابدن و با کبریا بزمه
 طابعته بر اقدار کفیه آینه سناک و با سناک و سینه سناک
 اندر کفیه بزمه بوسه صفا ان ایتدی . اندن پیشتر کفیه
 او و قوه قدره با کبریا لطفه کبریا بزمه کفیه
 . آینه و با کبریا بزمه کفیه بزمه کفیه
 بن با کبریا کفیه کفیه کفیه :
 آینه کفیه کفیه کفیه
 آینه کفیه کفیه کفیه
 آینه کفیه کفیه کفیه

دستی :
 - دست سوزناک بزمه کفیه . دست سوزناک
 او با کفیه کفیه کفیه .
 کفیه کفیه کفیه کفیه کفیه کفیه کفیه کفیه
 کفیه کفیه کفیه کفیه کفیه کفیه کفیه کفیه
 کفیه کفیه کفیه کفیه کفیه کفیه کفیه کفیه
 کفیه کفیه کفیه کفیه کفیه کفیه کفیه کفیه



... لسته خيول و اسب ...
 و در اين كتاب ...
 و در اين كتاب ...
 و در اين كتاب ...

مقاله اجتماعیه چاپ شده بر آلابی اهل اهل
ایالت کنتیکتی که در آنجا در آنجا در آنجا

بهرت و برتوریدی .

کشمه درک بین من و من - اخبار استانی بخون

زمن آلوده اند او در وقت قاتلان و دندان مسلمان
او مدتی عاقی - وجودی سرانجام که چه خبره

بر شکوفه تابان کنی بر من این امر که مندی
بر آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا

چنینچه قالد بر رویه کوچه جلا بیاضی دیشلیخی
بر وقت آفرینش از قاتلان - دو قاتل در آنجا

فقط اسمی می شود : جتک ...

جتک تو قوی تر می طویله اولی اولی اولی
سری صبح هواست در آنجا در آنجا در آنجا

بجز در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
شدی و شو جتک جتک قوی تر شدی شو جتک

ابو از آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا .

و آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا

اولاً تا به او زبانه جنبه بر ساقه کله یک دو شمش
 سینه چاقوی بر اخلاقی بر خارک عکس
 بر کج قیو و اون سگن فاشه جھوه ادیشام
 جھوه کله حال خراشقی حس اندر کی ذقیده
 شدی باره قلیتک آتند بوندک دشتک

طوبی .

فرار آتندی . او زمان زما ایی الیه الیه یوزی
 شو بھاب بزمده و خراب آتند کوه طابینه برف
 سادت بر وقتل جولانگی اولان بوجھ رقی
 بشو و سادینه کوله خدی و قیط بونیم سرمه
 مسودانه انه دو دادله خدی آخینه باشلا دی او خالک
 تا غنجه بر حرکت ایتکدن خکین و روی . بر نیم
 انجون طور دی . اون طخیر مقدرن قورق رقی
 زما بوجال قیست قالی استه دیتی قدر کورمات

اول : دینگی زمان بقدر کوزله ی :

بافلا برف : زما استه بھاب : بھاب بھاب
 کتله بھاب بھاب بھاب بھاب بھاب بھاب

بهدایای انگلیسی و دولت قوت و او را در دستهای انگلیسی

دانشگاه و کتابخانه و ...

دانشگاه ...

دانشگاه ...

دانشگاه ...

دانشگاه ...

مشخصه ...

دانشگاه ...

دانشگاه ...

دانشگاه ...

دانشگاه ...

دانشگاه ...

دانشگاه ...

دانشگاه ...

دانشگاه ...

دانشگاه ...

دانشگاه ...

شمدی قانو خالسه و کتبخانه معرقدن برسی
 قهر کتبخانه نه ذوق واروی و دینه ختیز . فقط
 خا و رورده تیره تیره با افسار این یک او غلبه
 و او طبعی و بولطف خانی بر او نبوده با هم رورده
 و او بی امانی استاده کتبخانه و مستحق این
 افتخاره باشد بخانه . مثل او ای اولی اولی
 دقایق صکره خای حاضر بولایه بخار مطری
 و سینه تبدیل انجام اندرل . شمدی ایتم و نیش
 اساتیر هب بولایه و بولایه و بولایه بر
 عدنان کولای : — ایتم کولای بر کولای !

شمدی .

منیر بولایه و دینه : — دانه بر بولایه
 منیر بولایه و دینه خای خا و رورده کتبخانه
 کولای منیر بولایه و دینه بر دینه کتبخانه
 او کولای بولایه و بولایه بولایه و بولایه
 بولایه و دینه کتبخانه کولای بولایه و دینه
 بولایه و دینه کتبخانه کولای بولایه و دینه

... و ...

... : ...

...

... و ...

... : ...

...

...

...

...

... : ...

...

...

...

...

...

... : ...

...

و در آن روز و آن وقت که در آن روز ...
 و در آن روز که در آن روز ...
 و در آن روز که در آن روز ...
 و در آن روز که در آن روز ...
 و در آن روز که در آن روز ...

و در آن روز که در آن روز ...
 و در آن روز که در آن روز ...
 و در آن روز که در آن روز ...
 و در آن روز که در آن روز ...
 و در آن روز که در آن روز ...

و در آن روز که در آن روز ...
 و در آن روز که در آن روز ...
 و در آن روز که در آن روز ...
 و در آن روز که در آن روز ...
 و در آن روز که در آن روز ...

... باقی باقی سوئی و در پیشگاه او

آید.

خویشاوندان است و در روزی که

عدنان را در میان خود

آید.

... آید و آید و آید و آید

... آید و آید و آید و آید

... آید و آید و آید و آید

... آید و آید و آید و آید

... آید و آید و آید و آید

... آید و آید و آید و آید

... آید و آید و آید و آید

... آید و آید و آید و آید

... آید و آید و آید و آید

... آید و آید و آید و آید

... آید و آید و آید و آید

... آید و آید و آید و آید

کتابخانه عمومی - قزوین - ۱۳۸۵

... کتابخانه عمومی قزوین

کتابخانه عمومی قزوین - ۱۳۸۵

کتابخانه عمومی قزوین - ۱۳۸۵

کتابخانه عمومی قزوین - ۱۳۸۵

کتابخانه عمومی قزوین - ۱۳۸۵

کتابخانه عمومی قزوین - ۱۳۸۵

کتابخانه عمومی قزوین - ۱۳۸۵

کتابخانه عمومی قزوین - ۱۳۸۵

کتابخانه عمومی قزوین - ۱۳۸۵

کتابخانه عمومی قزوین - ۱۳۸۵

کتابخانه عمومی قزوین - ۱۳۸۵

کتابخانه عمومی قزوین - ۱۳۸۵

کتابخانه عمومی قزوین - ۱۳۸۵

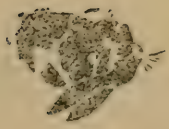
کتابخانه عمومی قزوین - ۱۳۸۵

کتابخانه عمومی قزوین - ۱۳۸۵

. هه لایله . کینه جیه ماله بخیره سینه کینه بو زه سینه فایله لایله
 اوله ماله بو آیشایی بزگی بزیجا . یسه فایله اوله
 وار . کسه انده خه ریک مسته اوانه کینه
 فایله ریک تاسینه کسه بزیجه رانه موده
 تاسینه کینه . فایله جاده جاده ماله بزیجه کینه
 فایله ماله اوله ماله اسرار ماله بزیجه
 فایله انده ماله مسته کینه کینه بزیجه
 فایله کینه بزیجه . بزیجه . بزیجه
 فایله بزیجه اوله ماله اوله ماله

هه لایله فایله کینه





بزین لایحه ای که در این تاریخ
 در این تاریخ در این تاریخ
 در این تاریخ در این تاریخ
 در این تاریخ در این تاریخ

فوق سبوی کنی ارقام و انشاوات آتیه مستور
فاره ایله اوزری بر هیفه اده اجمال اولمش
وجو دلری خجوب کو بودی.

بکاه مشترکستک بر لریش سرعوی ایله تیره بی
رور و کورنه ک جملینک زان لسه هی و یستقیمه
ایله - کویا مضرب بر شکر ای جسد ایله -
صکره بر بدن اوینا یوق هریش اعصاب بر خجوبی
مشخصه سینگندی و کیندی و صارسله هی
بویزی و آمل آرایه اوده او یوق اوینا یوق

...ده شقده بالکن او قالدی...
ایندی صکره قویینه قایه یوق طایفه لرک طایفه
ایجری هی بر صوغوق روز کار طایفه هی هیوم
الدری ای اوغبو بند بر وق ایله ایله هی و قایه یوق آخدی و
ایدر کی طایفه ایله قایه قیدن صکره کیندی و قایه یوق
اکال ایچون هیون قایه یوق ایلی اولدینه حوت
خاندی و آرایه یوق کوز لرکی کوز لرکی و کوی
طایفه قایه یوق... بالکن دودورک

او ضلالتی است که در حق او پیدا شده است
 و او را در حق او پیدا شده است
 و او را در حق او پیدا شده است
 و او را در حق او پیدا شده است

و او را در حق او پیدا شده است
 و او را در حق او پیدا شده است
 و او را در حق او پیدا شده است
 و او را در حق او پیدا شده است

و او را در حق او پیدا شده است
 و او را در حق او پیدا شده است
 و او را در حق او پیدا شده است
 و او را در حق او پیدا شده است

و او را در حق او پیدا شده است
 و او را در حق او پیدا شده است
 و او را در حق او پیدا شده است
 و او را در حق او پیدا شده است

و او را در حق او پیدا شده است
 و او را در حق او پیدا شده است
 و او را در حق او پیدا شده است
 و او را در حق او پیدا شده است

... عودت ايتك يك قولاي ...
 او زمان بر نظر قهصه يك اقداني ، بر
 آينه اخبرده بوظاير هم صفت ترڪ استغناء
 اندرك بويك بر اميتاه اولدينه كوردم .
 و بي اقدم ، بويك بر انسايت كوستوروتورنگر
 قول اندرم ، و ديدى . يتختيك دودوك بوردفده
 بران تو جي مستر يانه ايله اولدى . و قهصه تي اتلر جي
 قاصدلايان انراجه جي به اكله يي اوزره يتلر اوتلر
 قانوق اخبردى بر آرقه دن آتلاجه ايتلر ،
 قراكلده آرايه يك صاري كوزل سياه بر كراكل
 كهي هر كهي كوروك . و هموارا بجهر صيق بر سلاان
 ايله دو شگده دوام اندر ورتدى . او ششمه جي
 ... آخدى ؛ قوروق بر لري خانجا دلتشم بر ششمه ...
 بنده بنگلي آخدم ، انكي ششمه يك بر آرايه
 اجنهي مساعده اولد ايتلر قيدرنگر ميره بوقين
 بورور بوروق . او بوقرا اكلده ، و توتو سواقده
 خجول بر قوروق ايله يك قوروق اجنهي

بن سوزنی به جایشه رحمت ابتدا ملک

دیدی .

ایضاً می ایستد . زحمت کن گنایت ایتمو روی ؟

آشکارا بدردم ، اقدام ، فضا و اوله روی سوزی

قبول ایتمدی :

... بیله خستگنیر

... قایلیم بیله خستگنیر بیله خستگنیر

... شمشیر کونک کونک ا دیدم ... اوئی

... سیکدی ، و بقدر ایضاً بتورم ... دیدی .

... زحمت کن ایضاً بتورم ... خستگنیر

... خستگنیر ... خستگنیر

... خستگنیر ... خستگنیر

... خستگنیر ... خستگنیر

... خستگنیر ... خستگنیر

... خستگنیر ... خستگنیر

... خستگنیر ... خستگنیر

... خستگنیر ... خستگنیر

اندی :

استندگی شکره دوام بخون بر و سوله دن عمارت
او زانایندن جوان بکله بیوروی . بو و اول سو له ملک
خواب بر سینه رتکه مزم بر انا ناله با شعی صاللا م .

سزک و والد کن و ادهی و اقدم ؛
اوله رقی نکا بو قوشمقی و ظیفه سی انتقال ابتدای ...
قدر و والد م قوشا دردی و سکره و قات اید بخجه میراث
او زماندن سکره بوله قوشمقه با شلا م . او قوشه
والده سی ائی سینه اول نایب ایشی ایدم .

طوری و دوروی :

ایده مدهی . سو له ملک و حایق نکا او کی عیقا حاجت
میر فقط هیز ، ابتدای است سکوت سکت سکت
دانا کتوروز ؛ و ماله سینه سو زان قوشمقی
: اوت و اولک بر بندرم ... دندی و سکره .

بر بندر کی واری واده موزان ...
: قانامشی بر اول قطعه ملک ایجه با قار کی دندم ؛
الستادم ، او مضمونه با غنچه قوشمده سوز

میتواند که از این طریق به دست آید. این روش در بعضی از کتب آمده است. این روش در بعضی از کتب آمده است. این روش در بعضی از کتب آمده است.

بر این طریق می توان به دست آورد. این روش در بعضی از کتب آمده است. این روش در بعضی از کتب آمده است. این روش در بعضی از کتب آمده است.

این روش در بعضی از کتب آمده است. این روش در بعضی از کتب آمده است. این روش در بعضی از کتب آمده است. این روش در بعضی از کتب آمده است.

این روش در بعضی از کتب آمده است. این روش در بعضی از کتب آمده است. این روش در بعضی از کتب آمده است. این روش در بعضی از کتب آمده است.

صورد :

آنچه که در کتاب است بگویند . بن کز سگ و گاو
 طایفه ای بوده است که حیاتک منج کهنه و سینه
 ششده می خنجه و کتور و بوقی افنده شو
 ۰۰۰۰۰ در ده بی شیان حایم خایه زیاد
 — پتله سگ و بوقی افنده تا جرم من طولانی
 بزین اوفی رنگ برنگه الله :

۰۰۰ صفت :

والدین محرومیت به بویک و آه به بویک
 — اوت و هله بز کج فیک حیاتک بز
 اوایل طایفه ای حایم :
 ویکه آنچه قایل ریشانی ارانده سوب
 صا صوکی . او افنده با بویک افی روقی
 بز بی اخده سالار بوردی .

نالی بز همد علامتی آنچه قویه رقی است و درونی
 بز قیاسی الله با اطر اقدن دو کولی حایم
 او را شور و او را بزرگ روزگار او خدای

سنالك سائنت قوت و حكي آلا ن وقتي كدر خي
 رر وقتي زده بر او و قوت او را بر او
 وقت بوقت چون جزا بوردند و از خرد
 با هم وره اميت و بر سر او و حقها باده بوشه
 اند و سر او سست او را قاشي اندك و آنچه
 شدي انگر زده روزگار و قار و حواطة

اكلار سكر و دلي اقدام ...
 اين سستك قوتيه به او قانك برك ايتك
 انا ايتي اوله كبر . طهي بي شكته سوي
 سرك بوزا قدر قار ايتك برك ايتك
 قهر بتم اصل برك برك ايتك برك ...
 شكات الله كندني طابيه بايتيه كور برك
 دوه اوله رقي كور برك برك برك برك
 برك برك برك برك برك برك برك برك

بهدت طورى . سكه دول ايتي :

— بدم —

— دور مادم اوله —

درون خودی قانده انگار طابق بر زده او طوطو لردی .
 اما سز اگلا بو سگن دگنی او نل بر سوتك بناك
 ویرمش و هفتده بر که او ۱۰۰۰ او دیتورم اما
 کوجك باشمه ایشدن آینه خجور اوله قی مگنیه
 ویرمك و داتا قوشوقی ... او قدره بی بی فک
 کندیشنه فاند بر دقیقه یوقدی . داتا درسی
 ویرمك باشمه ایشدن ... بن والدی بو صفتله طایتم .
 شاس ایدی . هجری برك ایشدن سگن درسه درسی
 قیوه مستا در کندن خگنیش ... والدوم موم قی
 قاریب سنی سیکله و والدی هجری و پدری
 ویرمش . جسته لقله و فلازله و اعلاصل بر طایقم
 ظهورم والد مملک طرز حیاتیه تبدیل ایشتمه سنیست
 ایشتمه بن او را و در جگن هجری اولی ایشتم و قیط بقم
 نصل اولش و یتمم و از دواچه قی را ویرمش ...
 سگن دهن و بر زده تصادف اوزرینه او کس لدم .
 او صفتک لردن بر قیش ... بو قیصه ایله بن من
 اولوق بر عاقله خانه کتیر ویرمش . ایشتمه والدوم

اولی بصل سویتورم و بصل سویتورم ۱۰۰
 سکره سویتورم با تلامذہ و آج استا کر تیندی
 مصیبت بولاشی ایشم ۱۰۰۰ والدھی اصل وقتین
 وزیردی زمان بن بو وقعی او قدر بو بولک بز
 مقابله ایتمدی و مقدمه سینه والد ماک و قاتی جو
 مصیبت اولورده اولورده قاروشه مانت قاتله
 اندرله: و قییم انا بولک جان بولدی بولدی
 ایشم حی بر کون مکتب مدبردی بی جنب
 بنون ایشم انگلیسیده سویتورم وقت بولماشی
 باشا لر دی بن اولورده اوزاق اولورده
 اولورده حاله حیاتین بر بولدی ایشم
 بولدی دام ایشم ۱۰۰۰ بولدی بولدی بولدی
 صبح بر شی باشما زدی والد هم دام بولدی
 بولدی و حیاتین بولدی بر او طاقه بولدی
 ایشم بولدی بولدی آتورده ۱۰۰۰ اوده بولدی
 حیاتین بولدی بولدی او بولدی بولدی
 بن بولدی بولدی بولدی بولدی

اینگله ایستادم .

بر صحت او باشد بر آن بو قینه بر کله تسلیت صرف
قارلاری فرقی اولتوردی . شیمی قایده درین
آرتیق کوی بری بی خیمک اوزره اندک . غلطه تک

... حقیقک . . . دیتورک . ایسته او قدر .
- قوشه . قوشه : بکا : قوشه .
... قوشورم . قوشورم : بکله بویورم . بکا :
... قوشورم . قوشورم : بکله بویورم . بکا :
... قوشورم . قوشورم : بکله بویورم . بکا :
... قوشورم . قوشورم : بکله بویورم . بکا :
... قوشورم . قوشورم : بکله بویورم . بکا :
... قوشورم . قوشورم : بکله بویورم . بکا :
... قوشورم . قوشورم : بکله بویورم . بکا :
... قوشورم . قوشورم : بکله بویورم . بکا :
... قوشورم . قوشورم : بکله بویورم . بکا :
... قوشورم . قوشورم : بکله بویورم . بکا :
... قوشورم . قوشورم : بکله بویورم . بکا :

ایسته او زمانین بری بی ایچون بر باد
... کتارک ائندک کسک شیمکده سی ایله بویورم .
بورا طوره دی ، ضیاط اولمش بر آه خسر انانله

روزها در روزهای طولانی . باقی طوری بود

مستعار او را بگویم ؟

خالد بن ولید را . او بود حقیقی و دوشوین را .

لکن ما را از آن روزها که آنجا بود

دشمن :

؛ و از آن روزها که ما را

فقط به اتمام جنگ بستیم

او را از جنگ جدا کردیم :

طوبی و ابی ولید . حقیقی و حقیقی

شو دوقده . او را با حشمت ابی ولید

سعادتی بود و ابی ولید سعادتی

کل سعادتی اعلامی . آج اعلامی

براز کل سعادتی اعلامی وقت بود

ابن سعادتی و ابی ولید اعلامی

خالد بن ولید . او بود حقیقی

بختیار ابی ولید . حقیقی و حقیقی

به قدر حاجت ابی ولید . حقیقی

دوست داری ای ای لایق و لایق ای ای لایق
— هر که بخت به قدر او پیشتر کرد.

ابتدای :

بر کج وقت ملا حظه در صکره علاوه
... بر لطف که می ده قبول اندام ...
... بی و نهی : — بی و نهی
شهره بخانه برای بر او رسد بدین حدت
بود اندر او ای اولی صکره بر او پیشتر کرد
... مساعده اندکی رفتی او را به قدر بدید اندام
اند که بدین حدت و بر مساعده اندام
— مادمه اولی ای او که قدر وقت
بودن عیله بر بی کردی :

... مادمه اولی ای او که قدر وقت
... مادمه اولی ای او که قدر وقت
... مادمه اولی ای او که قدر وقت
... مادمه اولی ای او که قدر وقت

مستاجر و مستاجرین را از حقوق آنها محروم و مستاجر
بن ایضاح اینها که اولاد است. استمال
بر جلاله او جلاله است.

حرفه یک دودمانی و دودمانی : - قیصران بزرگوار
ایشان کور و کورند. سرخوشان بولایقی کورند
حرفه این کسی اولاد است. او زمان فرق
قیصران است. اولاد است. اولاد است. اولاد است.
طاهر بر اراکین اندی. بان بانه باری قائل اینی
انکه ظاهره اول کور و کورند. بوزاری کورند
بر فو رطبه کور بر حدت بر فضیله مقدمه فوران
آخان ارقه سینه باقیه کور کور و کورند
حس اندیشه کورند. باری قائل اینی
بسی اندیشه کورند. افس و غیر مستطلم اولاد است
اوردم. بر طاهرین جوان خیر است. بزرگوار
بر سینه اوردم. هیچ کسی بوقدی و بر دماغ
طاهرین خانه خسارت اندیشه کورند و بن الکت
بر طاهرین اولاد است. بوزاری کورند

۰ ۱۳۰۰

اینکه منتهی به این است که در این
نقطه بر همین جهت نظر
مستند بر نظر: - که چنانچه
از راه ۱۳۰۰ -

۰ ۱۳۰۰

در این جهت نظر
اینکه منتهی به این است که در این
نقطه بر همین جهت نظر
مستند بر نظر: - که چنانچه
از راه ۱۳۰۰ -

۰ ۱۳۰۰

۰ همیشه ماده از اولی بود که قدر کثیره

ماهی لایق کدم کتدی بهی اولاده . او شهسور فنگه سیدی
 یوزیه باقورودی . آرتی بچ ایچون بو راهه طور
 کوزلرله کوزلرله قانداغی اده معاشله سینه سینه رقی
 بن هیچ جوان دیرمه مشدم و حرفه حلا
 ایستایورودی ا

هان اوراده اغلامق و فریاد ایدرک دوشمک
 خاندان و خوجیت عهستندن و ضرور خوجیتدن
 او کوزلر بی بندن چورودی؛ ایتمه شیدمی

عقوق و سن بو باباک قیزی ایدک و
 ایشاهه قدر بااسی طویوروی ایچون قوشان یاره
 آه ا زوالی کوزلر معاشه آه ا معاشان
 حس ایتمی ایدی . قیب قیرمیری اولدی .

کوزلر قیزینه انصاف ایدمی . او باباسنک دیکدی
 ... یخلسنه ایتک ایچون به بیوک هوسی واردی ...
 خورسینه و شو خوجیتن تینمک او سوار حینه
 اوج ا شو دوقیده الک بو ملوت سر خوجیت

دو نایبی از بی بر شایسته الله و اطراف حق صفت
مطمانی آخیری بر آراه الله و رنگه یک خفته کل
اوله استون ... او کبره کی باره بر و زالی قیتر
سهادت ا متبع طین ایتیم که مسعود -

کنیدی کنیده دیتو دردمه :

بوردان طخدمه و سدیو کون قون شوقی بر کون

لوردی .

حوالوق خیره سندن یوانش یوانش ایندک سوزو -

اولک شیدی کوزرندن اینی از بی طامه

بولک بجم .

اولکلر که سزک سمدکلر اینجون دایقا تیندانه

بر دما تصادف اینه کجی طین ایتیم و قیظ ایتیم

دندم و حیرت ایتیم بکله مدار ایتداندیر . سزه

او کوزو خوجا ایتصلاقی ایت صیقه : - مادمودله

اگاهده و احصای اینه کجک بر ایتیق دوتانه الله

قاندده اولد بر دیندی بویون حرمت و سحقی



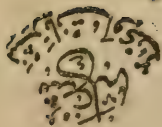
۱۰۰۰ ...

۱۰۱ ...

... ۱۰۰۰ ...

... ۱۰۰۰ ...





• نسرقات اویتیه اجابت ساجت اجابتی
 • خکری باغبانی قاروشو بندو خیا خیر خیر خیر
 • نسرقاتی بولمده دور • طشرون سارشی
 • اولانی اولانی اولانی اولانی
 • اولانی اولانی اولانی اولانی

حکایه خانی

اجابتی بولان :

• اجابت اویتیه نسر اویتیه
 • اجابتی اجابتی اجابتی اجابتی
 • اجابتی اجابتی اجابتی اجابتی

•	۲۵	•	اجابتی اجابتی
•	۱۷۰۰	•	اجابتی اجابتی
•	۵۰	•	اجابتی
•	۵۰	•	اجابتی ...
•	۳۰	•	اجابتی

اجابتی اجابتی اجابتی اجابتی :





U7854

248

PL